

## صنعت در ایران ۳

### مهدی تقوی

در سال ۱۳۴۲، رقم مربوطه  $\frac{1}{8}$  هزینه های خدمات (۱۱۱۹/۸ میلیارد ریال) و در سال ۱۳۵۷ تقریباً  $\frac{1}{3}$  کل این هزینه ها (۱۲۸۱/۳ میلیارد ریال) را تشکیل می دهد. با این حال باید بخاطر داشت که بخش مهمی از این هزینه ها مانند هزینه واقعی ساواک و بخشهایی از هزینه های نظامی و دربار و بیورکراسی تحت عناوین دیگری (مانند ماسین آلات و غیره) پنهان می شدند. به بیان دیگر بهنگام فروپاشی رژیم سلطنتی رقم واقعی هزینه های خدمات دولتی بیشتر از کل تولیدات صنایع کشور بوده است. علت دیگر سهم چشمگیر فعالیتهای خدماتی را باید در درآمد بالای افسارمدرن متکی به آن و مصرف بالای آنها در امور

تجملی مانند هتلها، رستورانها، تعطیلات و امکانات آموزشی و پزشکی مدرن جستجو کرد. جداول زیر نمایانگر ماهیت اساسی توسعه اقتصادی ایران در آخرین مرحله رژیم گذشته می باشد:

جدول ۴- سهم بخشهای اقتصادی (غیرنفتی) در تولید و اشتغال ۱۳۵۶-۱۳۵۷

بخش	بارده		اشتغال		(بجز بخش دولت)
	میلیارد ریال	درصد از کل	میلیون ریال	درصد از کل	
کشاورزی	۳۳۹	۱۴/۷	۳	۲۲/۲	
صنعت	۶۸۴/۲	۲۹/۷	۲/۸	۳۱/۲	
خدمات	۱,۲۸۱/۲	۵۵/۶	۳/۲	۲۵/۶	
کلی	۲,۳۰۴/۶	۱۰۰	۹	۱۰۰	

جدول ۵- بارده سرانه مطلق و نسبی کارگرد در بخشهای مختلف اقتصادی

بخش	تولید سرانه		تولید نسبی	
	۱۳۴۲-۱۳۴۱	۱۳۵۷-۱۳۵۶	۱۳۴۲-۱۳۴۱	۱۳۵۷-۱۳۵۶
کشاورزی	۲۴/۲	۱۰۵/۹	۱/۶	۰/۴۵
صنعت	۴۲/۱	۲۶۷/۲	۱	۰/۸۸
خدمات	۷۵/۶	۳۸۰/۲	۱/۹	۱/۶۲
کل بارده سرانه (غیرنفت)	۴۰/۲	۲۲۳	۱	۱

بررسی جداول فوق نشان می دهد که در سالهای مربوطه، بارده نسبی نیروی کار در کشاورزی بسیار پایین و در خدمات نسبتاً بالا است

در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ موقعیت نسبی کشاورزی بدتر می شود، زیرا کاهش تولید سرانه کشاورزی بیش از کاهش آن در صنعت یا خدمات است. در مورد کشاورزی می توان گفت که عقب ماندگی تکنولوژیک موجب سطح نازل تولید سرانه آن بوده است، اما پرسش بعدی اینست که چرا تولید سرانه خدمات باید تقریباً دو برابر تولید سرانه صنعت باشد، آنهم در حالیکه در بخش دولتی "خدمات" و همچنین در بخشهای تحتانی آن (مانند فروشندگان دوره گرد، دکانهای بقالی و غیره)، بیکاری پنهان بشدت چشمگیر است. تنها پاسخ معقول این است که در آمد سرانه، کارکنان این بخش بسیار بالاتر از سایر بخشهای اقتصادی است که این امر بنوبه خود ناشی از موقعیت ویژه کارکنان بخش مدرن "خدمات" و عناصر فوقانی بوروکراسی دولتی می باشد. طی این مرحله، ظاهراً "صنعت" نیز از رشد سریعی برخوردار بود و در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶، ۱۸/۷ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می داد. اما باید بخاطر داشت که:

الف - بخش ساختمانی، بطور مداوم، سهم بزرگی از رقم مذکور را به خود اختصاص می دهد. پس از انفجارهای نفت، تب فعالیتتهای ساختمانی چنان شدت گرفت که بین سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۴ سهم واقعی بخش "ساختمان" در تولید ناخالص ملی تقریباً با سهم "صنایع" برابر شد.

ب - آمار مربوط به "صنایع و معادن" دربرگیرنده فعالیتهای متنوعی، از گاز طبیعی تا سایر مواد غیر نفتی معدنی، و از صنایع دستی و سنتی تا ذوب آهن و اتومبیل می گردد.

پ - سهم " صنایع " در تولید ناخالص در سال ۵۷ - ۱۳۵۶، چندان بیشتر ارسهم واقعی خدمات دولتی طی این سال نبود. بدین ترتیب شاید بتوان موقعیت اقتصادی ایران در آستانه " تمدن بزرگ " را در این واقعیت خلاصه کرد که سهم بخشهای " صنعت و کشاورزی " تنها  $\frac{1}{5}$  کل تولید ناخالص ملی ایران را تشکیل می داد. در آمد نفت بعنوان متغیر مستقل سیستم به دولت این استقلال وامکسان را می بخشد که همانند سایر تجارب سرمایه گذاری دولتی (بی یابانفت) اقتصادی رایجی ریزی کند که در آن تاکید اساسی بر بخش شهری گذارده شده، فعالیتهای ساختمانی و خدمات مدرن " مانند بانکداری و بیمه ترغیب می گردد، و صنایع سنگین بر اساس بکارگیری پیشرفته ترین تکنولوژی - سرمایه برترین و ماهرترین انواع نیروی کار - ایجاد می شود. تورم، تنگناهای گوناگون، عدم توازن پرداختهای خارجی (حتی با وجود منابع ارزی سرشار)، مصرف تجملی و کمبود (و افزایش نامتناسب مزد) نیروی کار ماهر عوارض رشد یابنده چنین سیستمی است که به بارزترین شکل قبل از سال ۱۳۵۸ به چشم می خورد.

حال با توجه به تصویر کلی فوق، روند صنایع ایران در سالهای پنجاه اجمالا " مورد بررسی قرار می گیرد. ارزش کل تولیدات صنعتی از  $\frac{57}{8}$  میلیارد ریال در ۱۳۴۱-۲ به  $\frac{684}{2}$  میلیارد ریال یعنی ۱۲ برابر، در سال ۷ - ۱۳۵۶ افزایش یافت. بالطبع بعد از سال ۱۳۵۲، نرخ رشد بخش صنعت فوق العاده سریع بود. طی این دوره (۵۷ - ۱۳۵۲) رشد بخش آب و برق از شتاب بسیاری برخوردار بود، اما در سال ۱۳۵۷ تنها  $\frac{5}{5}$  درصد کل تولیدات صنعتی را تشکیل می داد. با این وجود، آب و برق

سهم عظیمی از سرمایه گذاری دولت را در این سالها به خود اختصاص داد. فعالیتهای ساختمانی کماکان یک چهارم کل فعالیتهای صنعتی را شامل می گردد، ولی سهم صنایع کارخانه ای و معادن ، علیرغم رشد نسبتاً سریع ، از ۷۲ درصد در سال ۱۳۵۲ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت. جدول زیر نمودار نکات فوق است :

جدول ۶ - توزیع بخش تولید صنعتی ۱۳۴۲-۱۳۵۷

۱۳۴۲-۱۳۴۱		۱۳۴۷-۱۳۴۶		۱۳۵۲-۱۳۵۱		۱۳۵۷-۱۳۵۶		
میلیارد درصدا		میلیارد درصدا		میلیارد درصدا		میلیارد درصدا		
ریال	کل	ریال	کل	ریال	کل	ریال	کل	
۴۱/۵	۷۱/۸	۷۲/۵	۶۸/۲	۲۲۴/۸	۶۷/۵	۴۶۸/۲	۶۸/۲	صنعت و معدن
۱۴/۱	۲۴/۴	۲۴/۹	۲۳/۴	۹۱/۴	۲۷/۴	۱۷۹/۵	۲۶/۲	ساختمان
۲/۲	۳/۸	۸/۹	۸/۴	۱۷/۲	۵/۱	۳۶/۶	۵/۵	آب و برق
۵۷/۸	۱۰۰	۱۰۶/۲	۱۰۰	۲۳۳/۴	۱۰۰	۶۸۴/۳	۱۰۰	کل

بدیهی است که در زمان رشد سریع اقتصادی، فعالیتهای ساختمانی نقش مهمی را بعهده دارد. بسط و توسعه جاده ها، راه آهن و سایر شبکه های حمل و نقل و ارتباطی، مدارس، بیمارستانها، کارخانه ها و غیره جملگی محتاج فعالیتهای ساختمانی است. اما در ایران بخش عظیمی از فعالیتهای ساختمانی به مصارف غیرمولد و تجملی مانند تاسیسات نظامی، واحدهای مسکونی لوکس، هتلها و رستورانهای جدید اختصاص می یافت. در مورد صنایع ، دولت سیاست جایگزینی واردات را دنبال می کرد و تولیدات داخلی (عمدتاً محصولات مصرفی بادوام) مانند اتومبیل ،

یخچال و تلویزیون افزایش یافت .

تولید یادر واقع مونتاز اینگونه کالاها بعهده بخش خصوصی گذارده شد و به صاحبان سرمایه در این بخش مبالغ معتناهی اعتبار و کمک مالی پرداخت شد . اما این بخش خصوصی در واقع بخش خصوصی نبود و آنان که عمدتاً "ارایجاد این صنایع سود بردند، سرمایه داران صنعتی نبودند . سودبرندگان اصلی کسانی بودند که با سرمایه شخصی ناچیز بعنوان دلال و واسطه برای سوءاستفاده از منابع مالی دولتی بکار گرفته شدند . صنایع مونتاز در واقع ابزاری برای توزیع سهم نفت بین گروهها و اقشار فوقانی بورکراسی و گروه های وابسته به آنان از یک سو و سرمایه داران و محافل قدرتمند مالی امپریالیستی از سوی دیگر بود . محسوب نمودن صنایع مونتاز بعنوان بخشی از صنایع داخلی تا حد زیادی غلط انداز است، زیرا ارزش افزوده کارکنان ایرانی، بویژه باتوجه به بازدهی بسیار نازل نیروی کار در ایران، بخش بسیار کوچکی از کل ارزش تولیدی کالاها را تشکیل می دهد . بنابراین صرف نظر از سایر عوامل ، فعالیت سرمایه داران این بخش شباهست بیشتری با عملکرد تجار دارت با وظایف یک سرمایه دار صنعتی .

باتوجه به نکات فوق میتوان ویژگی های مهم صنایع بزرگ بخش خصوصی (و وابسته به رژیم) ایران را در این دوره به شرح زیر برشمرد :

الف - رشد و گسترش اغلب این صنایع اساساً ناشی از انباشت و سرمایه گذاری مجدد سود تولیدی آنها نبوده، بلکه مستقیماً از طریق کمکها و حمایت های (غیر اقتصادی و غالباً "غیر قانونی") دولت صورت گرفته است . تبدیل ایران به بازار آزاد ورود و خروج سرمایه، عملاً "در خدمت خروج ارز و منابع مالی ملی

قرار گرفته و بخش مهمی از سودهای سرمایه داران بزرگ ایران به خارج انتقال می یافت .

ب - اعتبارات بانکها به اینگونه شرکتها، غالباً "بیش از میسزان سرمایه گذاری صاحبان سرمایه بود که بخش مهمی از آن صرف فعالیتهای جنبی یا غیرتولیدی نظیر ایجاد شرکتها، تجاری یا معاملات زمین و غیره می شد. بمنظور کسب اعتبارات بانکی، سرمایه این شرکتها غالباً بصورت صوری ثبت می شد. آورده صاحبان سرمایه نیز اکثراً "صوری بوده یا از محل قیمت گذاری بیش از حد ماشین آلات، زمین، ساختمان و غیره ارائه می شده است. البته پس از تاسیس "بانکهای خانوادگی" نظیر شهریار و داریوش و صنایع و غیره انجام عملیات فوق بنا سهولت و گشاده دستی بیشتری انجام می گرفت. ترکیب سرمایه های "صنعتی" و "بانکی" یعنی ایجاد شبه امپراتوری - های مالی، خیامی ها، رضائی ها، یزدانی ها و غیره، همانند سایر مسائل، تقلیدی بود مفتضحانه از چگونگی رشد سرمایه داری در غرب، که از دیدگاه توسعه و رشد اقتصادی جامعه ایران، جز فاجعه نام دیگری برای آن نمی توان یافت. بهر حال گسترش "سرمایه داری مالی ایران" در سالهای پنجاه، تنها از دیدگاه ضرورت تسهیل توزیع "سهم نفت" بین عناصر و افسار مورد نظر (اعم از داخلی یا خارجی)، تحت عنوان "توسعه اقتصادی"، قابل بررسی است.

پ - سود سرشار صنایع بزرگ بخش خصوصی وابسته به رژیم، عمدتاً ناشی از فشار شدید بر مصرف کننده و منابع مالی کشور بود.

محصولات مرغوبتر خارجی با تعرفه های گمرکی گزاف، از عرصه رقابت خارج شده یا تنها به مرفه ترین اقشار جامعه اختصاص داده شد، و محصولات مورد حمایت " داخلی " بابت از چند برابر بهای تمام شده آنها به مصرف کننده تحویل گردید.

در اینجا لازم به تاکید است که حمایت، دخالت و سرمایه گذاری مستقیم دولت در صنعت، از مهمترین عوامل توسعه و رشد اقتصادی کشور محسوب می شود. رده های جنبه اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی، بویژه آلمان، ژاپن و شوروی، بدون دخالت مستقیم دولت و حمایت گمرکی از صنایع داخلی، امکان پذیر نبود. این واقعیت در مورد کشورهای تحت سلطه، بویژه ایران (با توجه به نقش کلیدی صنعت نفت و ضعف تاریخی بخش خصوصی آن)، بنحوبارتری مصداق دارد. بنابراین پرسش اساسی این نیست که آیا حمایت دولت از صنایع داخلی ضروری است، بلکه در نحوه پیشبرد این حمایت نهفته است. نکته مورد انتقاد در مورد سیاستهای گمرکی و حفاظتی رژیم گذشته، به این اشاره دارد که سیاستهای مربوطه نه از دیدگاه ایجاد اقتصادی متکی به خود و پویا، که در جهت ازدیاد و انباشت هر چه سریعتر ثروت های شخصی افراد و با توجه به جوانب تبلیغاتی امر، تنظیم و اجرا می شده است. واردات کالا، بجای کاهش شدت افزایش می یابد، که این نیز در صورتیکه زمینه ساز کاهش آتی واردات می گشت مورد پذیرش قرار نمی گرفت. اما واقعیت این است که پی ریزی اکثر " صنایع داخلی " مورد حمایت بنحوی بود که تقاضای ایجاد شده را تنها می توانست از طریق واردات بیشتر جبران کند. تکنولوژی، غالباً " نه بر اساس بهترین و ارزانه ترین



ابزار موجود در سطح بین المللی، و نه بر مبنای اهدافی نظیر گسترش سطح اشتغال نیروی کار، به فعل درآوردن بالقوگی های اقتصادی بومی و سنتی، تامین نیازهای اولیه مردم و ایجاد سایر شرایط لازم برای توسعه و رشد اقتصادی، که بر اساس محاسبات سیاسی، تبلیغاتی و میزان رشوه، خریداری و وارد می شد.

ت - این صنایع، علیرغم پوشش " خصوصی " در واقع ازمایهتیمی نیمه دولتی و لذا ازمضار مردوبخشهای " خصوصی " و " دولتی " برخوردار بودند. صاحبان سرمایه اریک طرف فارغ ازرگونه کنترلی به تشدید استثمارة کارگران و به حداکثر رسانیدن سود خود می پرداختند و از طرف دیگر بعلت اتکاء کامل به دولت و فقدان رقابت، انگیزه ای برای استفاده ارتکنیکهای پیشرفته مدیریت، کاهش هزینه تولید و انجام تحقیقات و بررسی های علمی و تکنولوژیک (که جزء مهمی از فعالیت واحدهای تولیدی بزرگ در سایر کشورها است) نداشتند. در نتیجه بازدهی کار بسیار نازل بوده و تقریباً همه محصولات صنایع بزرگ ایران فاقد توان رقابت با محصولات مشابه سایر کشورها، حتی کشورهای جهان سوم بودند. بدین ترتیب علیرغم تمامی کوششها و ادعاهای رژیم گذشته، و علیرغم اینکه بخش مهمی از صادرات ایران به شیخ نشینهای خلیج فارس (با استفاده از هزینه نسبتاً ناچیز حمل و نقل) یا بواسطه قراردادهای تهاتری صادر می شد، در سال ۷- ۱۳۵۶ ارزش تمامی کالاهای صادراتی کشاورزی و صنعتی در حدود ۲ درصد کل صادرات ایران راتشکیل می داد.

جدول زیر صادرات غیر نفتی ایران رادر سالهای ۵۷- ۱۳۵۶ نشان می دهد.

جدول ۷ - صادرات کالاهای ایران بجز نفت و گاز

۱۳۵۶ - ۱۳۵۷

درصد از کل	میلیون دلار	
۵۱	۲۶۴	کشاورزی
	۱۸	پنبه
	۱۷/۵	میوه خشک و تازه
	۱۵/۵	سایر
۲۸	۱۴۸	صنایع سنتی
	۲۱/۸	فرش
	۴/۵	منسوجات
	۱/۵	کفش
	۰/۲	مواد مصرفی
۲۱	۱۱۱	صنایع شبه مدرن :
	۳	صابون و بودررختشویی
	۲/۲	سایر مواد شیمیایی
	۲/۱	شکلات و بیسکویت
	۱/۹	اتومبیل
	۱۱/۷	سایر
۱۰۰	۵۲۲	کل صادرات بجز نفت و گاز

صنایع سنگین ایران که عمدتاً "در تملک دولت بودند نیز در موقعیت چندان بهتری قرار نداشت. غالب این صنایع، بعلل نمایی و بدون - در نظر گرفتن نیازها و امکانات بومی و مناسب ترین امکانات بین المللی تاسیس می شد. پیوند این صنایع بابخشهای مصرفی و کشاورزی، ناموجود یا بسیار ضعیف بود و غالباً" نیز، علیرغم حمایت دولتی و تعرفه های گمرکی، زیان آور بود. کمبود مطلق و فراگیر کارگران فنی و مدیریت مجرب، و عدم علاقه متخصصین به کار در شهری بجز تهران، روابط فوق العاده بوروکراتیک، و بعضاً" عقب ماندگی نسبی تکنولوژی، مهمترین مشکلات این واحدها را تشکیل می داد. میزان تولید بسیاری از این واحدها بسیار پایین بوده و در برخی سالها به ده درصد کل ظرفیت قابل استفاده آنها کاهش می یافت. در میان صنایع بزرگ دولتی (به استثناء نفت) شاید تنها صنایع نظامی از نوعی رشد سریع برخوردار بود. اما در آنجا نیز صرف نظر از تشدید وابستگی های ژئوپلیتیک بکشورهای خارجی - سو استفاده های کلان و تاکید بر بکارگیری تکنولوژیهای نامتناسب با امکانات و نیازهای بومی، ضررهای ناشی از تخصیص منابع مالی هنگفت به مصارف غیر ضروری را دوچندان می ساخت.

بطور کلی تا قبل از سالهای پنجاه، بخش غیر نفتی صنعت ایران، تحت تسلط صنایع نساجی بود که علیرغم استفاده نسبی از ماشین آلات - مدرن، کماکان جزء صنایع سنتی ایران محسوب می شد. اما بعد از افزایش شدید درآمدهای صنعت مونتاز اتومبیل در این نقش ظاهر می شود، و سهم نسبی تولیداتی مانند نساجی، قند و سیگار کاهش مییابد. جدول زیر تولیدات و سهم نسبی ۲۱ صنعت انتخاب شده را طوسی دوره ۱۳۵۰ - ۱۳۵۵ نشان می دهد:

جدول ۸- تولید و سهم نسبی ۲۱ صنعت انتخاب شده ۱۳۵۵ - ۱۳۵۰

به میلیارد ریال					
۵۵-۱۳۵۴	۵۴-۱۳۵۲	۵۳-۱۳۵۲	۵۲-۱۳۵۱	۵۱-۱۳۵۰	
۲۸	۲۶/۸	۲۵	۲۲/۲	۱۹/۷	نساجی
۴۴/۸	۲۵	۲۶/۳	۲۰/۶	۱۶/۲	اتومبیل
۱۳/۲	۱۲/۹	۱۱/۹	۱۱/۴	۱۱/۳	قند
۱۹/۵	۱۶	۱۴/۱	۱۲/۸	۹/۸	فلزات
۱۲	۱۰/۹	۹/۹	۹/۵	۹/۶	سیگار
۱۷/۳	۱۳/۵	۱۱/۴	۸/۷	۷	لوارم خانگی
۱۰/۷	۹/۷	۷/۸	۷/۶	۷	روغن نباتی
۷/۸	۶/۶	۵	۴/۸	۴	سیمان
					رادیو و تلویزیون و
۱۰	۹/۲	۶/۴	۴/۸	۳/۸	تلفن
۵/۹	۵/۷	۵/۹	۴/۸	۳/۶	پتروشیمی
۵/۸	۵/۳	۴/۳	۳/۹	۲/۳	محصولات بهداشتی
۲۲/۸	۲۷/۶	۲۴/۲	۱۹/۲	۱۵/۵	سایر
۲۰۷/۸	۱۷۹/۲	۱۵۲/۲	۱۳۰/۴	۱۱۰/۸	کل
۱۳۵۰ - ۱۳۵۵ درصد					
۵۵-۱۳۵۴	۵۴-۱۳۵۲	۵۳-۱۳۵۲	۵۲-۱۳۵۱	۵۱-۱۳۵۰	
۱۳/۵	۱۵	۱۶/۴	۱۷	۱۷/۸	نساجی
۲۱/۶	۱۹/۵	۱۷/۲	۱۵/۸	۱۴/۶	اتومبیل
۶/۳	۷/۲	۷/۸	۸/۷	۱۰/۲	قند
۹/۴	۸/۸	۹/۳	۹/۸	۸/۸	فلزات
۵/۸	۶/۱	۶/۵	۷/۳	۸/۶	سیگار
۸/۳	۷/۵	۷/۵	۶/۷	۶/۴	لوارم خانگی
۵/۱	۵/۴	۵/۱	۵/۸	۶/۴	روغن نباتی

بقیه جدول ۸

۵۵-۵۴	۵۴-۵۳	۵۳-۵۲	۵۲-۵۱	۵۱-۵۰	
۳/۸	۳/۷	۳/۳	۳/۷	۳/۶	سیمان
۴/۸	۵/۱	۴/۲	۳/۷	۳/۵	رادیو، تلویزیون و تلفن
۳/۸	۳/۲	۳/۹	۳/۷	۳/۲	پتروشیمی
۳/۸	۳	۳/۸	۳	۳/۹	محصولات بهداشتی
۱۵/۸	۱۵/۴	۱۵/۹	۱۴/۸	۱۴	سایر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

نیروی انسانی شاغل در بخشهای شبه مدرن این ۲۱ صنعت از ۱۲۹۰۰۰ نفر در ۵۱ - ۱۳۵۰ - به ۱۷۰۰۰۰ نفر در ۵۵ - ۱۳۵۴ افزایش می یابد. بعبارت دیگر صنایع کارخانه ای با تولیدی در حدود ۵۲ درصد کل تولید صنعتی کشور تنها ۶ درصد کل نیروی انسانی کشور را در استخدام داشتند، که این از یک سو ماهیت سرمایه بر مناسبات تولیدی این واحدها و از سوی دیگر تجلی بیکاری پنهان شدید در بخشهای سنتی و نیمه سنتی اقتصاد ایران را نشان می دهد.

در خاتمه بررسی این دوره از روند " توسعه اقتصادی " ایران باید یادآور شد که بخشهای فوقانی اقتصاد در صنعت و بانکداری مستقیماً تحت کنترل گروه های وابسته به دولت شده و روبه انحطاط کامل کشاورزی هر چه بیشتر وابسته به دولت شده و روبه انحطاط کامل می رود و بخش توزیع که به لحاظ ریشه دار بودن بازارهای ایران

(درعین فقدان پویایی و ابتکار) از نوعی استقلال نسبی برخوردار بود، در او خردوره با ایجاد فروشگاههای رنجیره ای متعلق به باندهای مذکور موردتلاش مستقیم قرار می گیرد. در اینجاست که بن بست اقتصادی ایران بارزترین چهره اش را می نمایاند. بخش خصوصی غیروابسته اعم از بازار یابخش مهمی از سرمایه های تولیدی متوسط، کوچک (حجم سرمایه لزوماً یاتنها معیار" وابستگی " یا میزان " وابستگی " به دولت یابه سرمایه های بین المللی نمی باشد) فاقد قدرت انطباق، بانیا زهای توسعه و رشد اقتصادی و پویایی کافی بوده، در حالیکه بخشهای وابسته به دولت، اعم از دولتی یا شبه خصوصی، نیز به لحاظ ماهیت و چگونگی وابستگی آنها به دولت و سرمایه های بین المللی، دچار انحطاط همه جانبه بوده و از همان ابتدا ورشکسته اقتصادی محسوب می شدند. ●

## کتاب...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مؤسسه عالی علوم انسانی

نظری بر اصول متداول حسابداری، تألیف پرویز ا. جواهری،

چاپ دوم - ۱۳۶۳، تیراژ ۳۰۰۰ نسخه، قیمت ۴۵۰ ریال